

رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری

دکتر محمدعلی بشارت*

کوروش عزیزی**

سیده اسماء حسینی***

چکیده

در این پژوهش، رابطه کمال‌گرایی پدران و مادران با سبک‌های فرزندپروری آنان مورد بررسی قرار گرفت. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور با سبک‌های فرزندپروری شامل سبک‌های اقتداری، آمرانه و سهل‌گیر در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی بود. تعداد ۸۰۰ آزمودنی (۴۰۰ پدر، ۴۰۰ مادر) در این پژوهش شرکت کردند. از این افراد خواسته شد مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران (TMPS؛ بشارت، ۱۳۸۶) و پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ؛ بوری، ۱۹۹۱) را تکمیل کنند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد کمال‌گرایی با سبک‌های فرزندپروری رابطه دارد. از یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که ابعاد کمال‌گرایی والدین، ویژگی‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: کمال‌گرایی، سبک فرزندپروری، خانواده

* استاد دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد

مقدمه

سبک‌های فرزندپروری^۱ الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند که با آداب و پاسخ‌های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می‌شود (کوپلن، هاستینگز، لاگاس - سگین و ماولتون، ۲۰۰۲). دارلینگ و استینبرگ (۱۹۹۳) سبک‌های فرزندپروری را یکی از ویژگی‌های والدین می‌دانند که با تعدیل اعمال خاصی که والدین انجام می‌دهند و تغییر تجربه‌پذیری فرزندان در فرایند اجتماعی شدن^۲، بر کوشش‌های والدین برای اجتماعی کردن فرزندان تأثیر می‌گذارند. آنان سبک‌های فرزندپروری والدین را به عنوان مجموعه نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان تعریف می‌کنند که در ارتباط با فرزندان بیان می‌شوند و فضای هیجانی‌ای را می‌سازند که در آن رفتارهای والدین ابراز می‌شوند. این رفتارها، رفتارهای خاص و رفتارهای هدف‌دار که از طریق هر کدام از والدین برای انجام وظایف والدینی خود اعمال می‌شوند و همچنین رفتارهای غیرهدفمند والدین، شامل ژست‌ها، تغییر در آهنگ صدا یا بیان ارتجالی هیجان‌ها را شامل می‌شوند. در خلال سه دهه گذشته، استفاده از تیپ‌شناسی موجب رشد روان‌شناسی خانواده شده است. «بامریند» معروف‌ترین سبک‌های فرزندپروری خانواده را ارائه داده است. او سبک‌های فرزندپروری را شامل سه سبک اقتداری^۳، آمرانه (استبدادی)^۴ و سهل‌گیر^۵ می‌داند (ماندارا، ۲۰۰۳).

والدین اقتدارگرا سعی می‌کنند فعالیت‌های فرزندان را به شیوه منطقی و مباحثه‌محور^۶ هدایت کنند. این والدین گفت و گوی شفاهی را تشویق می‌کنند، دلایل رفتارهای شان را با کودک در میان می‌گذارند و وقتی فرزندشان از پیروی کردن امتناع می‌کند، اعتراض خود را بیان می‌کنند. این والدین کنترل جذب بر رفتار فرزندان اعمال می‌کنند ولی آنان را خیلی محدود نمی‌سازند. این والدین بر دیدگاه خود به عنوان یک بزرگسال تأکید می‌کنند، اما علائق شخصی فرزندان و راه‌های خاص را نیز به رسمیت می‌شناسند و در نظر می‌گیرند. والدین اقتدارگرا کیفیت‌های رفتاری حال حاضر کودک

-
1. Parenting Styles
 2. Socialization
 3. Authoritative
 4. Authoritarian
 5. Permissive
 6. Issue Oriented

را تأیید می‌کنند، اما در عین حال استانداردهایی را برای رفتار آینده فرزندان‌شان تعیین می‌کنند (بامریند، ۱۹۶۶). والدین اقتدارگرا به رغم داشتن کنترل بر فرزندان خود نسبت به آنان انعطاف‌پذیر هم هستند. آنان با دلیل و منطق، شرایطی را که می‌خواهند فرزندان‌شان بپذیرند توضیح می‌دهند. به طور کلی، خودمختاری فرزندان‌شان را می‌پذیرند و افکار نقادانه را تشویق می‌کنند. آنان بیشتر بر اهداف همدلانه تمرکز می‌کنند. این والدین، متوقع و در عین حال پاسخگو هستند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲).

والدین دارای سبک فرزندپروری آمرانه سعی می‌کنند، رفتارها و نگرش‌های فرزندان‌شان را مطابق با یک سری استانداردهای رفتاری که معمولاً مطلق، دارای انگیزه اعتقادی و به وسیله یک قدرت والا تنظیم شده‌اند، شکل دهند و کنترل و ارزیابی کنند. این والدین به اطاعت ارزش می‌دهند و آن را یک فضیلت، مساعدت تنبیهی و اقدام تأکیدی در جلوگیری از اراده شخصی (خود رأیی) فرزندان می‌دانند؛ اراده و رأیی که با عقاید درست پنداشته‌شده والدین در تعارض قرار می‌گیرد. این والدین اعتقاد دارند که فرزند باید مطابق با جایگاه خودش، خودمختاری محدود داشته باشد و مسئولیت‌های خانگی را به او واگذار می‌کنند تا برای کار در آینده آماده شود. این والدین به حفظ نظم و ساختار سنتی به عنوان نهایت ارزش توجه دارند. گفت و گوی شفاهی را تشویق نمی‌کنند و اعتقاد دارند که فرزندان باید آنچه را که والدین می‌گویند به علت درست بودن بپذیرند. والدین دارای سبک فرزندپروری آمرانه به عنوان والدین سخت‌گیر شناخته می‌شوند؛ چرا که این والدین بسیار سخت‌گیرند و قواعد تحمیلی زیادی دارند (بامریند، ۱۹۶۶). آنان اغلب برای کسب اطاعت فرزندان از قدرت استفاده می‌کنند و به ندرت شرح می‌دهند که چرا رفتارهای فرزندان‌شان آنان را آشفته می‌کند. والدین دارای سبک آمرانه رفتارهای منفی فرزندان را به خود فرزندان و تقصیر اعمال اشتباه را به علت‌های درونی نسبت می‌دهند و از فرزندان انتظار دارند از قوانین آنان بدون هیچ‌گونه پرسش و اعتراضی پیروی کنند. این والدین کنترل‌کننده و غیرپاسخگو هستند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲). والدینی که شیوه آمرانه دارند، در مشاجره‌ها و جدال‌های بین والدین و فرزندان بحث و مذاکره را تشویق نمی‌کنند. آنان اعتقاد دارند که کودکان باید تصمیمات و قوانین را بپذیرند، حتی اگر آنان را به درستی نفهمیده باشند. والدینی که به عنوان آمرانه طبقه‌بندی

می‌شوند از نظر عامل‌های تقاضا، سلطه‌جویی یا مستبد بودن و کنترل خیلی بالا و از نظر عامل پاسخ‌دهی پایین ارزیابی می‌شوند (ماندارا، ۲۰۰۳).

والدین سهل‌گیر سعی می‌کنند به شیوه غیرتنبیهی، پذیرنده و مثبت نسبت به تکانه‌ها، خواسته‌ها و اعمال فرزندان‌شان رفتار کنند. والدین با کودکان در تصمیم‌گیری‌ها مشورت می‌کنند و قوانین خانواده را برای آنان توضیح می‌دهند. این والدین تقاضای بسیار پایین از فرزندان برای مسئولیت‌های خانگی و رفتارهای منظم دارند. این والدین خود را به کودک به عنوان منبعی برای استفاده، همان‌طور که کودک آرزو دارد، ارائه می‌دهند؛ نه آن‌طور که برای تقلید کردن ایده‌آل باشند و نه آن‌طور که به عنوان یک عامل فعال مسئول شکل‌دهی یا تغییر رفتار حال یا آینده فرزندان باشند. این والدین به فرزندان اجازه می‌دهند تا آنجا که ممکن است خودشان اعمال‌شان را تنظیم کنند، از به کار بردن کنترل اجتناب می‌کنند و فرزندان را تشویق به اطاعت از استانداردهای بیرونی نمی‌کنند. این والدین سعی می‌کنند با دلیل و منطق فرزندان را وادار کنند تا وظایف خود را انجام دهند، اما آشکارا از قدرت استفاده نمی‌کنند (بامریند، ۱۹۶۶). والدین سهل‌گیر به عنوان والدین پاسخگو اما غیر کنترل‌گر شناخته می‌شوند. این والدین به ندرت از فرزندان خود تقاضا دارند و اجازه می‌دهند فرزندان‌شان هر کاری خواستند انجام دهند بدون اینکه بر اعمال آنان مراقبت داشته باشند (لمبورن، ناتر، استینبرگ و درونباخ، ۱۹۹۱). والدین سهل‌گیر در عامل تقاضا پایین و در عامل پاسخ‌دهی بالا هستند. آنان گرایش به رفتارهای غیر تنبیهی، پذیرا و شیوه رفتاری مثبت نسبت به تکانه‌ها، آرزوها و اعمال فرزندان‌شان دارند (بامریند، ۱۹۸۹؛ به نقل از ماندارا، ۲۰۰۳).

شناخت تعیین‌کننده‌های سبک‌های فرزندپروری یکی از دغدغه‌های محققان فعال در زمینه خانواده بوده است. یکی از مدل‌های نظری که سعی دارد، تعیین‌کننده‌های سبک‌های فرزند پروری را توضیح دهد، از سوی بلسکی (۱۹۸۴) ارائه شده است. بلسکی بیان می‌کند که سه منبع تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر سبک‌های فرزندپروری عبارت‌اند از: ویژگی‌های شخصی فرزندان، منابع زمینه‌ای حمایتی و استرس‌زا و ویژگی‌های شخصی والدین. بلسکی معتقد است که از این سه منبع، ویژگی‌های شخصی والدین در تعیین سبک‌های فرزندپروری مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر هستند.

کمال‌گرایی^۱ یکی از ویژگی‌های شخصی والدین محسوب می‌شود. کمال‌گرایی یک سازه شخصی است و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار عالی و افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود (استوبر و اتو، ۲۰۰۶؛ اسلنی، اشبی و تریپی، ۱۹۹۵؛ فروست، مارتین، لهارت و روزنبلت، ۱۹۹۰؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب). رویکردهای متفاوت در مورد کمال‌گرایی، آن را سازه‌ای تک بعدی (برنز، ۱۹۸۰) یا چند بعدی (هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب) معرفی کرده‌اند. هویت و فلت (۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب) با نظر به کمال‌گرایی در ساختار اجتماعی^۲، سه بعد کمال‌گرایی خودمحور^۳، کمال‌گرایی دیگرمحور^۴ و کمال‌گرایی جامعه‌محور^۵ را متمایز کردند. کمال‌گرایی خودمحور با تمایل به وضع معیارهای غیرواقع‌بینانه برای خود و تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد همراه با خود نظارت‌گری‌های دقیق مشخص می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب). این شکل از کمال‌گرایی، نزدیک‌ترین بعد به سازه‌ای است که غالباً به عنوان کمال‌گرایی شناخته شده است (بلت، ۱۹۹۵) و با ناکنش‌وری، سازش‌نیافتگی و آسیب‌پذیری مطابقت می‌کند (ادکینز و پارکر، ۱۹۹۶؛ لیند-استیونس و هرن، ۱۹۹۹؛ ویات و گیلبرت، ۱۹۹۸). کمال‌گرایی دیگرمحور بیانگر تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است و کمال‌گرایی جامعه‌محور به احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده ساختن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم به منظور کسب تأیید اطلاق می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب).

سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا سبک کمال‌گرایی والدین به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصی با سبک‌های فرزندپروری آنان رابطه دارد؟ آیا سبک کمال‌گرایی والدین می‌تواند ویژگی‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری آنان را پیش‌بینی کند؟ در زمینه رابطه کمال‌گرایی والدین و سبک فرزندپروری آنان طبق

-
1. Perfectionism
 2. Social Context
 3. Self-Oriented Perfectionism
 4. Other-Oriented Perfectionism
 5. Socially Prescribed Perfectionism

جست و جویی که در منابع علمی انجام شد، تحقیقی که به طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد نه در خارج و نه در داخل یافت نشد. سویننس و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی که رابطه کمال‌گرایی و کنترل روان‌شناختی والدین با کمال‌گرایی فرزندان را مورد بررسی قرار می‌داد، نشان دادند که والدینی که با استانداردهای بسیار بالا و توجه زیاد به شکست‌ها مشخص می‌شوند، بیشتر احتمال دارد، درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند. بر اساس نتایج تحقیق «سویننس» و همکاران (۲۰۰۵)، والدین کمال‌گرایی خود را در سبک فرزندپروری‌شان به نمایش می‌گذارند. والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوها و آرمان‌هایی را که خودشان نتوانسته‌اند به آنان برسند، برای فرزندان خود به کار ببرند و رفتارهای آنان را به صورت انتقادی ارزیابی کنند و درگیر فنون کنترل روان‌شناختی که یکی از مؤلفه‌های فرزندپروری است، شوند (بلت، ۱۹۹۵). بر اساس نظر هویت و فلت (۱۹۹۰)، که معتقدند کمال‌گرایان اغلب انتظارات غیرواقعیانه از دیگران دارند و آنان را به شیوه انتقادی ارزیابی می‌کنند، چرایی فرافکنی آرزوها و استانداردهای شخصی والدین به فرزندان در قالب شیوه فرزندپروری کنترل‌گرایانه توجیه می‌شود. در امتداد خط سبب‌شناسی سبک‌های فرزندپروری، یکی از بهترین گزینه‌ها، بررسی رابطه کمال‌گرایی در چارچوب روابط والدین - فرزندان است. رویکرد سه بعدی کمال‌گرایی که این سازه را در متن روابط بین شخصی اندازه‌گیری، توصیف و تبیین می‌کند، رویکرد ترجیعی برای این بررسی محسوب می‌شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه کمال‌گرایی والدین در سه بعد خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور با سبک‌های فرزندپروری در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی بود.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل والدین دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه شهر تهران بودند. انتخاب نمونه با شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انجام شد. ابتدا از مناطق ۱۹ گانه شهر تهران چهار منطقه (۸، ۵، ۱۱ و ۱۹) به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم، از هر منطقه دو دبیرستان پسرانه و دو دبیرستان دخترانه

انتخاب و در مرحله سوم نمونه‌ای از دانش‌آموزان این دبیرستان‌ها به صورت تصادفی برگزیده شدند و به دلیل اینکه دعوت از اولیاء در مدارس میسر نبود از دانش‌آموزان خواسته شد تا مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی تهران^۱ (TMPS) و پرسشنامه سبک اقتدار والدین^۲ (PAQ) را که برای هر کدام از والدین به صورت مجزا درون پاکت گذاشته شده بود، به والدین خود بدهند تا به صورت مجزا تکمیل کنند و بعد از تکمیل برگردانند. بدین ترتیب، تعداد ۸۰۰ شرکت‌کننده (۴۰۰ مادر، ۴۰۰ پدر) به عنوان نمونه‌نهایی به پرسشنامه‌های پژوهش به طور کامل پاسخ دادند. میانگین سن پدران ۴۵ سال ($sd= ۵/۶۲$)، دامنه= ۳۴-۶۶ و میانگین سن مادران ۴۰ سال ($sd= ۵/۲۴$)، دامنه= ۳۰-۵۷ بود.

ابزار سنجش

مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران (TMPS): مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران یک آزمون ۳۰ سؤالی است و بر اساس مقیاس‌های قبلی (فروست و همکاران، ۱۹۹۰؛ فلت و هویت، ۲۰۰۲؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱a) توسط بشارت (۱۳۸۶) به فارسی ساخته شده است. این مقیاس، سه بعد کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های سه گانه آزمون به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور در نمونه‌ای متشکل از پانصد دانشجوی دانشگاه تهران، به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۱ و ۰/۸۱ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۷۸ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور به ترتیب $r= ۰/۷۹$ ،

1. Tehran Multidimensional Perfectionism Scale

2. Parental Authority Questionnaire

$r = .84$ و $r = .84$ در سطح $P < .01$ معنادار بودند که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. روایی همزمان مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران از طریق اجرای همزمان مقیاس مشکلات بین شخصی، مقیاس سلامت روانی و زیرمقیاس‌های نوروزگرایی و برون‌گرایی مقیاس شخصیتی NEOPI-R در مورد آزمودنی‌ها محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در زیرمقیاس کمال‌گرایی خودمحور با مشکلات بین شخصی ($.44/0$)، بهزیستی روان‌شناختی ($.62/0-$)، درماندگی روان‌شناختی ($.059/0$) و نوروزگرایی ($.74/0$) در سطح $P < .01$ همبستگی معنادار وجود دارد. نتایج همچنین نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در زیرمقیاس کمال‌گرایی دیگرمحور با مشکلات بین شخصی ($.19/0$)، بهزیستی روان‌شناختی ($.35/0-$)، درماندگی روان‌شناختی ($.26/0$)، نوروزگرایی ($.25/0$) و برون‌گرایی ($.22/0-$)؛ و بین نمره آزمودنی‌ها در زیرمقیاس کمال‌گرایی جامعه‌محور با بهزیستی روان‌شناختی ($.29/0-$)، نوروزگرایی ($.27/0$) و برون‌گرایی ($.44/0-$) در سطح $P < .01$ همبستگی معنادار وجود دارد. این نتایج روایی همزمان مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران را تأیید می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۶).

پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ): این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس نظریه بامریند به سه سبک اقتداری، آمرانه و سهل‌گیر تقسیم می‌کند (بوری، ۱۹۹۱). این پرسشنامه ادراک فرزندان از سبک‌های فرزندپروری والدین خود را می‌سنجد و برای هر والد باید یک فرم جدا از سوی فرزند تکمیل شود. این پرسشنامه از ۳۰ سوال تشکیل شده است: ۱۰ سوال مربوط به سبک فرزندپروری اقتداری، ۱۰ سوال مربوط به سبک فرزندپروری آمرانه و ۱۰ سوال مربوط به سبک فرزندپروری سهل‌گیر است. این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. حداقل نمره فرد در هر یک از زیرمقیاس‌ها ۱۰ و حداکثر نمره فرد در هر یک از زیرمقیاس‌ها ۵۰ است. بوری (۱۹۹۱) ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک اقتداری مادر ($.78/0$)، برای سبک اقتداری پدر ($.92/0$)،

برای سبک آمرانه مادر (۰/۸۶)، برای سبک آمرانه پدر (۰/۸۵)، برای سبک سهل‌گیر مادر (۰/۸۱) و برای سبک سهل‌گیر پدر (۰/۷۷) به دست آورده است. وی برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده کرده است و نتایج آن بدین صورت است که سبک آمرانه مادر با سبک سهل‌گیر مادر رابطه معکوس (۰/۳۸-)، سبک آمرانه پدر با سبک سهل‌گیر پدر رابطه معکوس (۰/۵۰-)، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس (۰/۴۸-)، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس (۰/۵۲-) داشت؛ در حالی که سبک اقتداری مادر با سبک سهل‌گیر مادر (۰/۷) و سبک اقتداری پدر با سبک سهل‌گیر پدر (۰/۱۲) همبستگی مثبت غیرمعنادار داشتند. این پرسشنامه از سوی اسفندیاری (۱۳۷۴) ترجمه و با تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. روایی محتوایی پرسشنامه بر اساس داوری ۱۰ صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی خوب گزارش شده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را که بعد از گذشت یک هفته از اجرای اولیه، مجدداً از ۱۲ نفر از مادران نمونه مورد مطالعه خود خواسته بود تا پرسشنامه را تکمیل کنند، برای شیوه سهل‌گیر (۰/۶۹)، برای شیوه آمرانه (۰/۷۷) و برای شیوه اقتداری (۰/۷۳) به دست آورده است.

یافته‌ها

جدول (۱) شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره مربوط به متغیرها در نمونه مورد تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره ابعاد کمال‌گرایی و سبک‌های فرزندپروری والدین

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره
کمال‌گرایی خودمحور	پدر	۲۸/۵۱	۹/۹۷	۱۱	۴۸
	مادر	۳۹/۵۵	۶/۵۲	۱۱	۴۷
کمال‌گرایی دیگرمحور	پدر	۳۲/۹۳	۶/۴۲	۱۴	۵۰
	مادر	۳۲/۱۱	۶/..	۱۳	۴۸
کمال‌گرایی جامعه‌محور	پدر	۳۹/۹۲	۶/۳۳	۱۲	۴۹
	مادر	۲۸/۷۸	۶/۳۷	۱۲	۴۵
سبک فرزندپروری اقتداری	پدر	۳۸/۶۵	۶/۸۰	۱۶	۵۰
	مادر	۴۰/۰۷	۶/۵۹	۱۱	۵۰
سبک فرزندپروری آمرانه	پدر	۳۷/۳۳	۵/۳۳	۱۴	۴۲
	مادر	۲۶/۶۵	۵/۳۵	۱۱	۴۳
سبک فرزندپروری سهل‌گیر	پدر	۲۵/۳۹	۵/۳۲	۱۰	۴۲
	مادر	۲۵/۳۷	۵/۳۶	۱۱	۴۴

برای آزمودن فرضیه پژوهش، ابتدا از ضریب همبستگی استفاده شد. جدول (۲) ماتریس همبستگی بین ابعاد کمال‌گرایی پدران و مادران و سبک‌های فرزندپروری آنان را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که کمال‌گرایی خودمحور پدر با سبک فرزندپروری آمرانه پدر ($r = -0.26$, $P \leq 0.1$) و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر ($r = 0.1$), $P \leq 0.21$) رابطه معنادار دارد ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرای پدر رابطه معنادار ندارد. کمال‌گرایی دیگرمحور پدر با سبک فرزندپروری اقتدارگرای پدر ($r = 0.1$), $P \leq 0.19$) و با سبک فرزندپروری آمرانه پدر ($r = 0.21$, $P \leq 0.1$) رابطه معنادار دارد ولی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر رابطه معنادار ندارد. کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر با سبک فرزندپروری آمرانه پدر ($r = 0.32$, $P \leq 0.1$) و سبک فرزندپروری

سهل‌گیرانه پدر ($r = .01, P \leq .01$) رابطه معنادار دارد ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرای پدر رابطه معنادار ندارد. علاوه بر این، کمال‌گرایی خودمحور مادر با سبک فرزندپروری آمرانه مادر ($r = .01, P \leq .01$) و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر ($r = .01, P \leq .01$) رابطه مثبت معنادار دارد ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرای مادر، رابطه معنادار ندارد. کمال‌گرایی دیگرمحور مادر با سبک فرزندپروری آمرانه مادر ($r = .01, P \leq .01$) و با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر ($r = .01, P \leq .01$) رابطه مثبت معنادار دارد ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه مادر رابطه معنادار ندارند. کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر با سبک فرزندپروری آمرانه مادر ($r = .01, P \leq .01$) و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر ($r = .01, P \leq .01$) رابطه مثبت معنادار دارد ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرای مادر رابطه معنادار ندارد.

جدول (۲) ماتریس همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی فرزندان

متغیر	سبک فرزندپروری اقتداری	سبک فرزندپروری آمرانه	سبک فرزندپروری سهل‌گیر
کمال‌گرایی خودمحور پدر	.۰۸	.۰۲۷۰۰	.۰۳۰۰
کمال‌گرایی دیگر محور پدر	.۰۶۰۰	.۰۳۰۰	-.۰۳
کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر	.۰۸	.۰۳۲۰۰	.۰۲۲۰۰
کمال‌گرایی خودمحور مادر	-.۰۵۵	.۰۳۳۰۰	.۰۳۲۰۰
کمال‌گرایی دیگرمحور مادر	.۰۵۵	.۰۳۸۰۰	.۰۱۸۰۰
کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر	-.۰۳	.۰۳۵۰۰	.۰۳۶۰۰

** معناداری در سطح ۰/۰۱.

برای تحلیل رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی والدین با سبک فرزندپروری آنان از رگرسیون همزمان استفاده شد. در معادله رگرسیون ابعاد کمال‌گرایی والدین به عنوان متغیرهای پیش‌بین و هر کدام از سبک‌های فرزندپروری آنان به صورت مجزا به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد.

جدول (۳)، نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی و سبک‌های فرزندپروری را نشان می‌دهد. بر اساس این نتایج، در مدل اول که خلاصه نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی پدر و سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه پدر را نشان می‌دهد، میزان F مشاهده‌شده معنادار است ($p \leq 0.02$) و ۳/۶ درصد واریانس مربوط به سبک فرزندپروری اقتدارگرای پدر توسط ابعاد کمال‌گرایی پدر تبیین می‌شود ($R^2 = 0.36$).

ضرایب تأثیر کمال‌گرایی خودمحور پدر ($\beta = -0.21$)، کمال‌گرایی دیگرمحور پدر ($\beta = 0.189$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر ($\beta = 0.21$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که کمال‌گرایی دیگرمحور پدر با اطمینان ۹۹ درصد تغییرات مربوط به سبک فرزندپروری اقتدارگرای پدر را پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی افزایش کمال‌گرایی دیگرمحور پدر با افزایش سبک فرزندپروری اقتدارگرای پدر مرتبط است.

در مدل دوم که نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی پدر و سبک فرزندپروری آمرانه پدر را نشان می‌دهد، میزان F مشاهده‌شده معنادار است ($p \leq 0.01$) و ۱۱/۵ درصد واریانس مربوط به سبک فرزندپروری آمرانه پدر با ابعاد کمال‌گرایی پدر تبیین می‌شود ($R^2 = 0.115$). ضرایب تأثیر کمال‌گرایی خودمحور

پدر ($\beta = 0.122$)، کمال‌گرایی دیگرمحور پدر ($\beta = 0.34$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر

($\beta = 0.24$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که کمال‌گرایی خودمحور پدر با اطمینان ۹۵ درصد و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر با اطمینان ۹۹ درصد تغییرات مربوط به سبک فرزندپروری آمرانه پدر را پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی افزایش کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر با افزایش سبک فرزندپروری آمرانه پدر مرتبط است.

در مدل سوم که نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی پدر و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر را نشان می‌دهد، میزان F مشاهده‌شده معنادار است ($p \leq .001$) و $9/2$ درصد واریانس مربوط به سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر با ابعاد کمال‌گرایی پدر تبیین می‌شود ($R^2 = .092$). ضرایب تأثیر کمال‌گرایی خودمحور پدر ($\beta = .201$)، کمال‌گرایی دیگرمحور پدر ($\beta = -.218$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر ($\beta = .211$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که کمال‌گرایی خودمحور پدر، کمال‌گرایی دیگرمحور پدر و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر با اطمینان 99 درصد تغییرات مربوط به سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر را پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی افزایش کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور پدر با افزایش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر مرتبط است و افزایش کمال‌گرایی دیگرمحور پدر با کاهش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر مرتبط است.

در مدل چهارم که نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی مادر و سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه مادر را نشان می‌دهد، میزان F مشاهده‌شده معنادار نیست ($p \leq .317$) و ضرایب تأثیر کمال‌گرایی خودمحور مادر ($\beta = -.091$)، کمال‌گرایی دیگرمحور مادر ($\beta = .101$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر ($\beta = -.020$) نیز با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که هیچ‌کدام از ابعاد کمال‌گرایی مادر به طور معنادار قادر به پیش‌بینی سبک اقتدارگرایی مادر نیستند.

در مدل پنجم که نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی مادر و سبک فرزندپروری آمرانه مادر را نشان می‌دهد، میزان F مشاهده‌شده معنادار است ($p \leq .001$) و $19/9$ درصد واریانس مربوط به سبک فرزندپروری آمرانه مادر با ابعاد کمال‌گرایی مادر تبیین می‌شود ($R^2 = .199$). ضرایب تأثیر کمال‌گرایی خودمحور مادر ($\beta = .131$)، کمال‌گرایی دیگرمحور مادر ($\beta = .226$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر ($\beta = .203$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که

کمال‌گرایی خودمحور مادر با اطمینان ۹۵ درصد، کمال‌گرایی دیگرمحور مادر و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر با اطمینان ۹۹ درصد تغییرات مربوط به سبک فرزندپروری آمرانه مادر را پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی افزایش کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر با افزایش سبک فرزندپروری آمرانه مادر مرتبط است.

در مدل ششم که نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد کمال‌گرایی مادر و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر را نشان می‌دهد، میزان F مشاهده‌شده معنادار است ($p \leq .001$) و $12/3$ درصد واریانس مربوط به سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر با ابعاد کمال‌گرایی مادر تبیین می‌شود ($R^2 = .123$). ضرایب تأثیر کمال‌گرایی خودمحور مادر ($\beta = .247$)، کمال‌گرایی دیگرمحور مادر ($\beta = -.336$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر ($\beta = .165$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که کمال‌گرایی خودمحور مادر با اطمینان ۹۹ درصد و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر با اطمینان ۹۵ درصد تغییرات مربوط به سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر را پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی افزایش کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور مادر با افزایش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر مرتبط است. به طور کلی نتایج جداول (۲) و (۳) نشان می‌دهند که بین ابعاد کمال‌گرایی والدین و سبک فرزندپروری آنان رابطه مثبت وجود دارد. کمال‌گرایی والدین تغییرات سبک فرزندپروری آنان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول (۳) خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون ابعاد

کمال‌گرایی والدین بر سبک‌های فرزندپروری آنان

شاخص

t	β	SE	R^2	R	F	مدل/سبک اقتداری پدران
			.۰۳۶	.۱۹۰	۴/۹۲***	رگرسیون
	-.۰۲۱					کمال‌گرایی خودمحور
	-.۳۵۳					

۲۳ _____ رابطه کمال گرایی والدین با سبک‌های ...

۳/۲۳۴***	-/۱۸۹	کمال گرایی دیگر محور
۰/۳۴۷	۰/۲۱	کمال گرایی جامعه محور

شاخص						
t	β	SE	R^2	R	F	مدل/ سبک آمرانه پدران
		۵/۳۴	۰/۱۱۵	۰/۳۳۹	۱۷/۱۵***	رگرسیون
۲/۱۱۲*	-/۱۲۲					کمال گرایی خود محور
	-/۶۱۱	۰/۳۴				کمال گرایی دیگر محور
	۴/۱۸۱***	۲۴				کمال گرایی جامعه محور

شاخص						
t	β	SE	R^2	R	F	مدل/ سبک سهل گیر پدران
		۵/۰۴۲	۰/۰۹۲	۰/۳۰۳	۱۳/۳۶***	رگرسیون
	۳/۴۳۱***	۲/۰۱				کمال گرایی خود محور
	-۳/۸۵۲***	-/۲۱۸				کمال گرایی دیگر محور
	۳/۶۲***	۲/۱۱				کمال گرایی جامعه محور

شاخص						
t	β	SE	R^2	R	F	مدل/ سبک اقتداری مادران
		۶/۰۵۴	۰/۰۹	۰/۰۹۴	۱/۱۸	رگرسیون

-۱/۵۰۷	-۰/۰۹۱					کمال‌گرایی خودمحور
۱/۶۴۸	۰/۱۰۱					کمال‌گرایی دیگرمحور
-۰/۳۵۵	-۰/۰۲۰					کمال‌گرایی جامعه‌محور
شاخص						
t	β	SE	R^2	R	F	مدل / سبک آمرانه مادران
		۴/۸۰۸	۰/۱۹۹	۰/۴۴۶	۳۲/۷۸***	رگرسیون
۲/۴۰۳*	۰/۱۳۱					کمال‌گرایی خودمحور
۴/۱۰۶***	۰/۲۲۶					کمال‌گرایی دیگرمحور
۴/۰۳۲***	۰/۲۰۳					کمال‌گرایی جامعه‌محور
شاخص						
t	β	SE	R^2	R	F	مدل / سبک سهل‌گیر مادران
		۴/۹۷۸	۰/۱۲۳	۰/۳۵۱	۱۸/۵۶***	رگرسیون
۴/۸۰۶***	۰/۲۴۷					کمال‌گرایی خودمحور
-۰/۶۳۴	-۰/۰۳۶					کمال‌گرایی دیگرمحور
۳/۱۲۷***	۰/۱۶۵					کمال‌گرایی جامعه‌محور
*** معناداری در سطح ۰/۰۵						
** معناداری در سطح ۰/۰۱						

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که ابعاد کمال‌گرایی با سبک‌های فرزندپروری رابطه دارد. کمال‌گرایی خودمحور و جامعه‌محور پدران و مادران به صورت مشابه با سبک‌های فرزندپروری آمرانه و سهل‌گیر آنان رابطه داشت، ولی رابطه کمال‌گرایی دیگرمحور آنان با سبک‌های فرزندپروری شان کاملاً مشابه نبود؛ درحالی که کمال‌گرایی دیگرمحور پدران با سبک‌های فرزندپروری اقتدارگرا و آمرانه رابطه داشت،

کمال‌گرایی دیگر محور مادران با سبک‌های فرزندپروری آمرانه و سهل‌گیر مرتبط بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش «سویننس» و همکاران (۲۰۰۵) که به صورت غیرمستقیم به رابطه کمال‌گرایی والدین و سبک‌های فرزندپروری آنان پرداخته‌اند، همسو است. رابطه بین کمال‌گرایی و سبک فرزندپروری را می‌توان بر حسب احتمالات زیر تبیین کرد:

۱. والدین کمال‌گرا که با ویژگی‌هایی از قبیل انتظارات بالا از خود و از فرزندان (انس و همکاران، ۲۰۰۲)، استانداردهای بسیار بالا و توجه زیاد به شکست‌ها مشخص می‌شوند، بیشتر احتمال دارد درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند (سویننس و همکاران، ۲۰۰۵). یک توضیح احتمالی این است که والدین کمال‌گرا مجذوب استانداردها و هنجارهای خودساخته‌شده تا حدی که حساسیت و توجه همدلانه لازم و مناسب برای توجه به نیازها و آرزوهای فرزندان‌شان را از دست می‌دهند (دیکس، ۱۹۹۱)؛ بدین ترتیب، سبک فرزندپروری والدین از ویژگی‌های کمال‌گرایانه آنان تأثیر می‌پذیرد؛

۲. والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوها و هنجارهایی را که احساس می‌کنند خودشان نتوانسته‌اند به آنان برسند برای فرزندان خود به کار ببرند، رفتارهای آنان را به صورت انتقادی ارزیابی کنند و درگیر فنون کنترل روان‌شناختی که یکی از مؤلفه‌های فرزندپروری است، شوند (بلت، ۱۹۹۵)؛

۳. امکان دیگری که کمال‌گرایی والدین و سبک فرزندپروری آنان را به هم مرتبط می‌کند، شکنندگی حرمت خود در والدین کمال‌گراست. والدین کمال‌گرا ممکن است ارزش خودمشروط داشته باشند که به وسیله احساسات شخصی از دستیابی به استانداردهای بالا یا انتظارات خاص مشخص می‌شود (دسی و رایان، ۱۹۹۵؛ کرنیس، ۲۰۰۲). وقتی پذیرش خود والدین مشروط به دستیابی به اهداف شخصی باشد، آنان ممکن است این مشروط بودن را به محبت و پذیرش فرزندان منتقل کنند و فقط وقتی به آنان محبت کنند که مناسب با استانداردها و انتظارات والدین عمل کنند (الیوت و ترش، ۲۰۰۴). بر این اساس، ویژگی‌های (تهدیدها و نگرانی‌های) حرمت خود والدین از طریق کمال‌گرایی، سبک فرزندپروری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴. کمال‌گرایی خودمحور که بر اساس انتظارات غیر واقع‌بینانه از خود همراه با خود نظارت‌گری دقیق مشخص می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱ب) با مسئولیت‌پذیری افراطی همبستگی مثبت معنادار است (بشارت، ۱۳۸۳). این انتظارات بالای غیرواقع‌بینانه از خود و مسئولیت‌پذیری افراطی، ویژگی‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، یعنی پاسخ‌گو بودن بالا (احساس مسئولیت) و توقع پایین را به فرد تحمیل می‌کند؛ بنابراین، رابطه بین کمال‌گرایی خودمحور و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه از طریق احساس مسئولیت بالا و توقع پایین توجیه می‌شود. در تبیین رابطه کمال‌گرایی خودمحور با سبک فرزندپروری آمرانه می‌توان گفت که والدین کمال‌گرا وقتی فرزندان‌شان در انجام تکالیف مدرسه یا در ارتباط با همسالان‌شان یا در امور دیگر مشکل دارند، احساس کهنتری و تهدید می‌کنند. این افراد به علت خودانتقادگری غیرواقعی، مشکلات فرزندان‌شان را با این تفکر که «شکست فرزندم نشان‌دهنده این است که من پدر یا مادر بدی هستم» شخصی‌سازی می‌کنند. همچنین از آنجا که حرمت خود این والدین به موفقیت فرزندان‌شان وابسته است، فشار بیشتری بر فرزندان‌شان می‌آورند تا از شکست اجتناب کنند (برنز، ۱۹۸۰). این روش و سبک برخورد و رابطه با فرزند معادل سبک فرزندپروری آمرانه محسوب می‌شود. رابطه بین کمال‌گرایی دیگرمحور پدر و سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه را می‌توان با توجه به ویژگی توقع بالای کمال‌گرایان دیگرمحور از دیگران تبیین کرد. کمال‌گرایی دیگرمحور که با توقع بالا از دیگران مشخص می‌شود، این توقع بالا را هنگام تربیت فرزندان نیز نشان می‌دهد. این توقع بالا از ویژگی‌های سبک فرزندپروری اقتدارگراست. رابطه بین کمال‌گرایی دیگرمحور والدین و سبک فرزندپروری آمرانه آنان را بدین صورت می‌توان تبیین کرد که کمال‌گرایی دیگرمحور که با توقع بالا از دیگران مشخص می‌شود، با سلطه‌جویی، پرخاشگری علیه دیگران و ناتوانی در توجه‌طلبی و مهرجویی رابطه دارد (هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف؛ هیل و همکاران، ۱۹۹۷). این نشان می‌دهد که افراد کمال‌گرای دیگرمحور اولاً تقاضای بالا از دیگران دارند و ثانیاً سلطه‌جویی آنان و ناتوانی آنان در توجه‌طلبی و مهرجویی باعث پایین بودن پاسخ‌دهی آنان می‌شود؛ بنابراین، درگیر سبک فرزندپروری آمرانه می‌شوند. شاید بتوان رابطه کمال‌گرایی دیگرمحور مادران با سبک فرزندپروری سهل‌گیر آنان را به تفاوت جنسیتی آنان نسبت داد و اینکه احتمالاً چون مادران در خانواده‌های ایرانی از

قدرت اجرایی کمتری برای دنبال کردن توقعات خود نسبت به افراد خانه دارند، از توقعات خود صرف نظر نکنند؛ اما رابطه بین کمال‌گرایی جامعه‌محور والدین و سبک فرزندپروری سهل‌گیر را می‌توان بدین صورت تبیین کرد که کمال‌گرایی جامعه‌محور با توجه به ویژگی‌های نیاز به تأیید دیگران، ترس از ارزشیابی منفی و باور به اینکه دیگران از فرد انتظارات بالا دارند و دنبال کردن این انتظارات مشخص می‌شوند (هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱ ب؛ هیل و همکاران، ۱۹۹۷؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۳). این ویژگی‌ها فرد را برای اعمال سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مستعد می‌سازند. رابطه کمال‌گرایی جامعه‌محور والدین و سبک فرزندپروری آمرانه آنان را می‌توان بدین صورت تبیین کرد که در کمال‌گرایان جامعه‌محور، ویژگی‌های ترس از ارزشیابی منفی، بیش‌تعمیم‌دهی شکست، خودانتقادگری، خود سرزنشگری (هویت و فلت، ۱۹۹۱ الف؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱ ب؛ هیل و همکاران، ۱۹۹۷) همراه با سردی (هیل و همکاران، ۱۹۹۷) باعث می‌شود که به سختی دنبال اهداف شخصی خودشان باشند و بدین علت توانایی وفق دادن خودشان با نیازها و آرزوهای فرزندان‌شان به صورت همدلانه را نداشته باشند. به همین دلیل، این دسته از والدین بیشتر احتمال دارد، درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند (سوینسن و همکاران، ۲۰۰۵).

۵. شکل دیگری از تبیین رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی والدین و سبک‌های فرزندپروری آنان را می‌توان بدین صورت مطرح کرد که استانداردهای بالا در والدین می‌تواند متوجه خود فرد یعنی کمال‌گرایی خودمحور باشد. توقع بالا از خود ممکن است در ارتباط با کنترل فرزندان باشد؛ یعنی من به عنوان یکی از والدین باید کنترل بالایی بر رفتارهای فرزندان داشته باشم. این کنترل بالا از ویژگی‌های سبک فرزندپروری آمرانه است. توقع بالا از خود ممکن است در ارتباط با خدمت‌رسانی به فرزندان ظاهر شود؛ یعنی من به عنوان یکی از والدین باید هر کاری برای فرزند خود انجام دهم. این ویژگی معادل پاسخ‌دهی بالا و از مؤلفه‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیر است. همچنین، استانداردهای بالا می‌تواند متوجه دیگران باشد؛ یعنی همان کمال‌گرایی دیگرمحور که در این صورت، کمال‌گرایی می‌تواند به دو صورت در سبک فرزندپروری نمود پیدا کند:

الف) به صورت توقع بالای فرد از دیگران یا پرتوقع بودن که از ویژگی‌های سبک فرزندپروری اقتدارگرا و سبک فرزندپروری آمرانه است. اگر این ویژگی با پاسخ‌دهی بالا همراه باشد، حاصل آن سبک فرزندپروری اقتدارگرا و اگر با پاسخ‌دهی پایین همراه باشد، حاصل آن سبک فرزندپروری آمرانه خواهد بود؛

ب) به صورت توقع از فرزندان برای تنظیم رفتارشان توسط خودشان و افزایش پاسخ‌دهی والدین برای اینکه زمینه را برای فرزندان آماده کنند تا خودشان رفتارهایشان را تنظیم کنند. در این حالت، کمال‌گرایی به صورت سبک فرزندپروری سهل‌گیر نمود پیدا می‌کند. علاوه بر این، استانداردهای بالا می‌تواند به صورت این عقیده باشند که افراد مهم از فرد انتظار کامل بودن دارند؛ یعنی همان کمال‌گرایی جامعه‌محور که این نیز به دو صورت می‌تواند در سبک‌های فرزندپروری نمود پیدا کند: الف) ممکن است فرد مهم همسر فرد باشد؛ بنابراین، فرد کنترل خود را بر فرزندان بالا می‌برد تا انتظار همسر از وی در تربیت فرزندان برآورده شود. این کنترل بالا از ویژگی‌های سبک فرزندپروری آمرانه است؛

ب) ممکن است افراد مهم برای فرد فرزندان باشند؛ بنابراین، فرد با پاسخ‌دهی بالا که از ویژگی‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه است به توقعات و انتظارات دیگران پاسخ دهد. از پیامدهای پژوهش حاضر می‌توان به نقش تعیین‌کننده کمال‌گرایی در سبک فرزندپروری اشاره کرد. یافته‌های پژوهش حاضر، علاوه بر اینکه رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری آنان را تأیید می‌کند، می‌تواند پشتوانه پژوهشی مدل‌های نظری در این زمینه باشد. همچنین، ابعاد کمال‌گرایی و سبک‌های فرزندپروری لزوم توجه به برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای جهت تغییر ویژگی‌های کمال‌گرایانه و به تبع آن، سبک‌های فرزندپروری را مطرح می‌سازد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به جای خالی سایر متغیرهایی که می‌تواند به عنوان متغیر تعدیل‌کننده یا واسطه در نظر گرفته شوند، از جمله کیفیت روابط زناشویی (رضایت زناشویی) و نگرش زوجین نسبت به داشتن فرزند قبل از تولد فرزند یا فرزندان (خواسته یا ناخواسته بودن فرزند یا فرزندان) اشاره کرد. انجام پژوهش‌های مکمل که بتواند این متغیرها را به صورت همزمان مورد بررسی قرار دهد برای آینده پیشنهاد می‌شود.

منابع

اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزند‌پروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایران: انستیتو روانپزشکی تهران.

بشارت، محمدعلی (۱۳۸۳). رابطه کمال‌گرایی و مشکلات بین شخصی. دانشور رفتار، ۱۱، ۸-۱.

بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). ساخت و اعتباریابی مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۰، ۶۷-۴۹.

Adkins, K. K., & Parker, W. D. (1996). Perfectionism and suicidal preoccupation. *Journal of Personality*, 64, 529-543.

Baumrind, D. (1966). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*, 37, 887-907.

Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child Development*, 55, 83-96.

Blatt, S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression. *American Psychologist*, 50, 1003-1020.

Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.

Burns, D. D. (1980). The perfectionist's script for self-defeat. *Psychology Today*, 14, 34-52.

Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguin, D. G., & Moulton, C. E. (2002). Authoritative and authoritarian mother's parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting, Science and Practice*, 2, 1-26.

Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1995). Human agency: The basis for true self-esteem. In M. Kernis, *Efficacy, agency, and self-esteem* (pp. 31-50). New York: Plenum.

Dix, T. (1991). The affective organization of parenting: Adaptive and maladaptive processes. *Psychological Bulletin*, 110, 3-25.

Elliot, A. J., & Thrash, T. M. (2004). The intergenerational transmission of fear of failure. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 957-971.

- Enns, M. W., Cox, B. J., & Clara, I. (2002). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences*, 33, 921-935.
- Flett, G. L., & Hewitt, P. L. (2002). Perfectionism and maladjustment: An overview of theoretical, definitional, and treatment issues. In G. L. Flett & P. L. Hewitt, *Perfectionism: Theory, research, and treatment* (pp. 5-31). Washington, DC: American Psychological Association.
- Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research*, 14, 449-468.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1990). Perfectionism and depression: A multidimensional analysis. *Journal of Social Behavior and Personality*, 5, 423-438.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1991a). Perfectionism in the self and social contexts: Conceptualization, assessment, and association with psychopathology. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 456-470.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1991b). Dimensions of perfectionism in unipolar depression. *Journal of Abnormal Psychology*, 100, 98-101.
- Hill, R. W., Zrull, M. C., & Turlington, S. (1997). Perfectionism and interpersonal problems. *Journal of Personality Assessment*, 69, 81-103.
- Kernis, M. H. (2002). Self-esteem as a multifaceted construct. In T. M. Brinthaupt & R. P. Lipka, *Understanding early adolescent self and identity: Applications and interventions* (pp. 57-88). Albany, NY: State University of New York Press.
- Lambourn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.
- Lynd-Stevenson, R. M., & Hearne, C. M. (1999). Perfectionism and depressive affect: the pros and cons of being a perfectionist. *Personality and Individual Differences*, 26, 549-562.
- Mandara, J. (2003). The typological approach in child and family psychology: A review of theory, methods, and research. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6, 129-146.
- Slaney, R.B., Ashby, J.S., & Trippi, J. (1995). Perfectionism: Its measurement and career relevance. *Journal of Career Assessment*, 3, 279-297.
- Soenens, B., Elliot, A. J., Goossens, L., Vansteenkiste, M., Luyten, P., & Duriez, B. (2005). The intergenerational transmission of

- perfectionism: Parents' psychological control as an intervening variable. *Journal of Family Psychology*, *19*, 358-366.
- Stoeber, J., & Otto, K. (2006). Positive conceptions of perfectionism: Approaches, Evidence, Challenges. *Personality and Psychology Review*, *10*, 295-319.
- Wyatt, R., & Gilbert, P. (1998). Dimensions of perfectionism: a study exploring their relationship with perceived social rank and status. *Personality and Individual Differences*, *24*, 71-79.